



درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۶ / اردیبهشت / ۱۳۹۸

مصادف با: ۱۰ رمضان ۱۴۴۰

جلسه: ۱۲

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی

موضوع جزئی: شروح و ترجمه های نهج البلاغه

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

شروح و ترجمه های نهج البلاغه

به مناسبت بحث از مصادر نهج البلاغه که در جلسه قبل به آن پرداختیم بهتر است درباره ترجمه ها و شروح نهج البلاغه نیز گزارش مختصری ارائه دهیم، هرچند قرار بود در مورد اعتبار نهج البلاغه و امکان استناد به نهج البلاغه در بحث های فقهی و اخلاقی و اعتقادی بحث کنیم، اما برای تکمیل بحث، مختصری درباره شروح و ترجمه های نهج البلاغه مطالبی را خدمتان عرض می کنم. بعد از گردآوری نهج البلاغه با فاصله کمی، انگیزه برای شرح نهج البلاغه شروع شد. از آن زمان یعنی تقریباً از قرن ششم (زیرا نهج البلاغه ابتدای قرن پنجم تمام شد) شرح نویسی بر نهج البلاغه آغاز گردید. از آن روز تا کنون که چیزی حدود هزار و چهل سال می گذرد شرح های متعددی بر نهج البلاغه نوشته شده است.

بیست و شش شرح را مرحوم حاج میرزا حسین نوری^۱ دوپست و ده شرح را شیخ حسین جمعه برای نهج البلاغه ذکر کرده اند. البته ممکن است بسیاری از شرح ها به صورت مختصر یا تک نگاری بوده باشد. وقتی می گوئیم: شرح نهج البلاغه، منظور شرح کامل نیست، این عنوان شرح کامل مفصل، شرح کامل مختصر، شرح برخی خطبه ها یا کلمات قصار و تک نگاری هایی که بخصوص درباره برخی خطبه ها مانند خطبه شقشقیه یا خطبه متقین یا خطبه قاصعه، شده است همه را در بر می گیرد. از جمله مؤلفان معروف و مشهور و قابل اعتماد که آمار شروح نهج البلاغه را ذکر کرده اند می توان به اسامی زیر اشاره نمود:

۱. مرحوم علامه امینی در الغدیر که در شرح حال سید رضی نام هشتاد و نه شرح نهج البلاغه را بیان می کند.^۲

۲. مرحوم شیخ بزرگ آقا طهرانی در کتاب الذریعه به صد و چهل و هشت شرح اشاره می کند،^۳ چیزی حدود پنجاه صفحه به ذکر شروح نهج البلاغه پرداخته است.

۳. مرحوم عطاردی در مقدمه کتاب «شرح نهج البلاغه لشارح من القرن الثامن» به هشتاد و سه شرح اشاره کرده است. علت اینکه مرحوم عطاردی نامی از شارح نیاورده، این است که دقیقاً معلوم نیست این شرح از آن کیست ولی برخی احتمال داده اند که این

^۱ خاتمه مستدرک، ص ۵۱۳.

^۲ الغدیر، علامه امینی، ج ۴.

^۳ الذریعه، آقا شیخ بزرگ آقا طهرانی، ج ۴، ص ۱۱۱ الی ۱۶۱.

شرح نهج البلاغه مربوط به علامه حلی باشد و قرائنی هم برای آن ذکر کردند و در برخی از کتاب‌ها نیز این شرح به علامه حلی نسبت داده شده است.

۴. سید محسن امین در کتاب «اعیان الشیعه» به سی و یک شرح اشاره کرده است.^۱

علی ای حال صرف نظر از این آمار در مورد شروح نهج البلاغه، ترجمه‌هایی نیز از نهج البلاغه شده است. (آمار بالایی از ترجمه‌های نهج البلاغه به زبان‌های فارسی، انگلیسی و اردو و برخی از زبان‌های دیگر دنیا وجود دارد که به بیش از پنجاه ترجمه می‌رسد و کماکان نیز ادامه دارد).

به هر حال برخی از این شرح‌ها نسبت به بعضی دیگر برجسته تر می‌باشند و اگر بخواهیم نام یکایک این دو بیست شرح نهج البلاغه را ببریم زمانی طولانی نیاز دارد در عین حال ضرورتی هم ندارد، زیرا اسامی این کتب در کتاب‌های مرجع آمده و می‌توانید مراجعه کنید، اما در بین این شرح‌ها بعضی از مهمتر از بقیه می‌باشند همانگونه که برخی از ترجمه‌ها استحکام و اتقان بیشتری از ترجمه‌های دیگر دارند. ما ابتدا به برخی از مهمترین شروح نهج البلاغه پرداخته و معرفی اجمالی از آنها خواهیم داشت. اما قبل از آن یک دسته بندی کوتاهی از شروح نهج البلاغه مناسب به نظر می‌رسد.

دسته بندی شرح‌های نهج البلاغه

۱. برخی شروح نهج البلاغه ترتیبی می‌باشند و برخی موضوعی هستند. از شروح ترتیبی می‌توانیم به «منهاج البراعه» قطب الدین راوندی اشاره کنیم یا شرح «نهج البلاغه ابن ابی الحدید».

از شروح موضوعی هم می‌توانیم شرح «بهبج الصباغه» تألیف مرحوم شیخ محمد تقی تستری یا شوشتری (که تقریباً سی و اندی سال پیش از دنیا رفت) را نام ببریم. پس برخی شرح‌ها ترتیبی هستند و بعضی موضوعی مثل تفاسیر قرآن.

۲. از منظر دیگر برخی شرح‌ها کامل هستند و برخی ناقص. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید یک شرح کامل است، ۲۰ جلد می‌باشد. ولی برخی از شرح‌ها ناقصند. یعنی مثلاً تا جایی نوشته شده و دیگر ادامه پیدا نکرده است یا دیگران آن را تکمیل کردند مثل «منهاج البراعه» که میرزا حبیب الله خویی آن را نوشتند. ایشان این شرح را تا خطبه ۲۲۸ نوشته است و بعد دیگران آن را تکمیل کردند، مثل آیت الله حسن زاده آملی و مرحوم محمد باقر کمره ای که مجموع آن ۲۱ جلد می‌شود.

۳. در یک تقسیم بندی دیگر بعضی شرح‌ها مختصرند و بعضی از شرح‌ها مبسوطند. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید بیست جلد است و شرح نهج البلاغه قطب راوندی مقدارش بسیار کمتر است یا شرح نهج البلاغه ظهیر الدین بیهقی (م ۵۶۵ ه ق) در قرن ششم که به نام «معارج نهج البلاغه» منتشر شده و دو جلد است. بعضی از شرح‌ها نیز اساساً تک نگاری است، یعنی پیرامون یک خطبه به خصوص نوشته شده و فقط همان خطبه شرح داده شده است.

پس اگر بخواهیم شرح‌های نهج البلاغه را دسته بندی کنیم چند نوع شرح وجود دارند:

۱. شرح ترتیبی و موضوعی.

۲. شرح مختصر و مبسوط.

۳. شرح کامل و ناقص.

^۱ اعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۸، ص ۲۰۵.

البته شرح های تک نگاری را هم چه بسا بتوان داخل همان شروح ناقص قرار داد.

به هر حال در بین همه شرح هایی که درباره نهج البلاغه نوشته شده، چند شرح اهمیت دارند و بیشتر مورد توجه قرار گرفته اند و بعضا علی رغم سابقه کهن آنها هنوز هم ماندگار هستند. مثلا ابن ابی الحدید به شرح قطب راوندی اشاره می کند مرحوم خویی از سه شرح قطب راوندی، ابن ابی الحدید و ابن میثم نام می برد. مثلا مرحوم تستری نیز وقتی می خواهد از شرح های مهم نام ببرد به سه شرح ابن ابی الحدید، ابن میثم بحرانی و مرحوم میرزا حبیب الله خویی یعنی «منهاج البراعه» اشاره می کند.

مهم ترین شروح نهج البلاغه

اگر بخواهیم از مجموع شرح هایی که تا حدود سی یا چهل سال پیش نوشته شده پنج شرح از مهم ترین شروح را نام ببریم به شروح زیر بسنده می کنیم:

۱. شرح قطب راوندی.
۲. شرح ابن ابی الحدید.
۳. شرح نهج البلاغه ابن میثم بحرانی.
۴. شرح نهج البلاغه میرزا حبیب الله خویی.
۵. شرح نهج البلاغه مرحوم تستری.

البته در سال های اخیر بعضی شروح مختصرتر و یا روان تر به زبان فارسی نوشته شده است. مثل شرحی که مجموعه ای که زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی پیرامون نهج البلاغه نوشتند، یا شرح علامه جعفری و شرحی از مرحوم آیت الله منتظری که در پانزده جلد چاپ شده است. اینها اقداماتی است که در این سال های اخیر صورت گرفته است. البته مرحوم دشتی نیز اقداماتی را به شکل دیگر در رابطه با نهج البلاغه صورت داده که کارهای ارزشمندی است. مثلا یکی از کارهای که مرحوم دشتی کرده این است که فرهنگ معارف شروح را تنظیم کرده است. از چیزی حدود هفده، هجده شرح، یک فرهنگ نامه درست کرده و مطالبی که این شروح در مقام تبیین و تفسیر کلمات حضرت علی (ع) بیان کرده اند را تحت عناوینی قرار داده است. اکنون مناسب است به معرفی برخی از مهم ترین این شروح بپردازیم تا انشاء الله با یک شناخت اجمالی بتوانیم به این شروح مراجعه کنیم.

۱. شرح قطب راوندی (م. ۵۷۲. ه. ق.)^۱

ما دو شرح تحت عنوان «منهاج البراعه» داریم یکی مربوط به قطب راوندی است و دیگری هم مربوط به میرزا حبیب الله خویی. به هر حال شاید یکی از مهمترین مآخذ شروح بعدی نهج البلاغه همین شرح قطب راوندی است. هرچند ابن ابی الحدید او را به باد انتقاد گرفته است. از جمله انتقاداتی که ابن ابی الحدید به شرح قطب راوندی دارد این است که او اطلاع بر تاریخ نداشته و لذا آن طور که باید و شاید نتوانسته مطالب را بیان کند، اما در عین حال با اینکه او را مورد استهزاء قرار داده است، خود او نیز در جاهایی از این شرح استفاده کرده است. بالاخره همیشه اولین گام ها مشکل تر است و پیشگامان کار سخت تری در پیش دارند. بدیهی است که یکی از مآخذ و مصادر اصلی کارهای دیگر همین کتاب است که از نظر زمانی مقدم بر آنها است. همانطور که قبلا

^۱ م ۵۷۳ ه. ق.

گفتیم قبل از قطب راوندی برخی شروح دیگری نیز بر نهج البلاغه نوشته شده مثل «معارج نهج البلاغه» که متعلق به ظهیر الدین بیهقی (م ۵۶۵ ه ق) است. او با آنکه مقدم بر قطب راوندی است اما شرح قطب راوندی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

۲. شرح ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ ه ق)

در مورد این شرح به جرأت می‌توانیم بگوییم از مهمترین شرح‌هایی است که در مورد نهج البلاغه نوشته شده است، آن‌هم توسط یک عالم غیر شیعه. او از نظر کلامی و اعتقادی معتزلی بود و به همین جهت در لابه‌لای شرح خود مطالبی را بیان کرده که مورد اشکال واقع شده است. به ادعای خود ابن ابی الحدید این شرح دارای دو برجستگی و دو محور عمده است؛ چون هم جنبه ادبی و هم جنبه تاریخی در آن دنبال شده است.

از جهت ادبی چون خودش مسلط به ادب عربی بوده است و شعر می‌گفته، لذا قهراً به این جهت در شرح نهج البلاغه توجه کرده است و هم‌چنین به صورت مبسوط وارد مباحث تاریخی شده است. یعنی شاید در پرداختن به مسائل تاریخی (پیرامون خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی (ع)) هیچ یک از شروح نهج البلاغه به اندازه ابن ابی الحدید وارد نشدند (البته بعداً می‌گوییم که خود این یک اشکالی را متوجه این شرح کرده است).

اما با این همه او اعتقاداتی داشته که در لابه‌لای شرح خود را نشان داده و بعضاً هم مورد اشکال واقع شده است و لذا نقدهای متعددی هم بر این شرح نوشته‌اند. از جمله شیخ یوسف بحرانی (محدث بحرانی) نقدی نسبت به بعضی از قسمت‌های شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید دارد. مثلاً ابن ابی الحدید نقل می‌کند که شیوخ معتزله اتفاق دارند که بیعت با خلیفه اول صحیح بوده است. هر چند معتقد است امام علی (ع) بر هر سه خلیفه پیشین خودش مقدم است، منتهی می‌گوید: در امامت، افضلیت ضروری نیست، می‌تواند غیر مفضول هم امام شود، ضرورت ندارد امام افضل باشد تا در نتیجه اگر مفضول امام شد پس اساساً بیعت با او صحیح نباشد. پس او ضمن اینکه علی (ع) را افضل می‌داند اما معتقد است بیعت با خلیفه اول صحیح بوده؛ زیرا افضلیت در امامت ضروری نیست. هنگامی که خلیفه را مردم انتخاب کنند چه به نحو اجماع و چه غیر اجماع، (یعنی حتی اگر انتخاب خلیفه اتفاقی و اجماعی هم نباشد) خود این باعث می‌شود که این بیعت صحیح باشد.

این اعتقادات در مواضعی از این شرح بیان شده و البته مورد نقد و اشکال هم قرار گرفته است.

ابن ابی الحدید می‌گوید این شرح را از رجب سال ۶۴۴ تا صفر سال ۶۴۹ به پایان رساندم، یعنی چهار سال و هشت ماه طول کشید که من این شرح را بنویسم و این دقیقاً به اندازه دوران خلافت خود حضرت علی (ع) است. حال اینکه این مسئله تصادفی بود یا با فکر و برنامه اینطور شده است، الله اعلم. اما خود او این مقایسه را دارد.

در مسائل تاریخی نیز هر چند خود ابن ابی الحدید مورخ نبوده ولی عمدتاً به سه کتاب مهم تاریخی الاغانی ابوالفرج اصفهانی سیره ابن هشام و تاریخ طبری استناد کرده است. این یک معرفی اجمالی از شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید بود.

بحث جلسه آینده

همانطور که گفته شد اشکالاتی نیز متوجه این شرح شده است. از جمله مرحوم تستری در مقدمه شرح خود بر نهج البلاغه با عنوان «بهبج الصباغه» چند اشکال به شرح ابن ابی الحدید وارد کرده که آن اشکالات را به همراه معرفی سایر شرح‌های دیگر انشاء الله در جلسه آیند دنبال می‌کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»